

مطالعه و کتابخوانی در کودکان

نویسنده: علی بیرانوند

کارشناسی ارشد کتابداری و عضو علمی دانشگاه پیام نور مرکز جهرم biranvand@gmail.com

چکیده

آدمی در دوران کودکی به علت عدم داشتن شناخت کافی از جهان پیرامون، بیشتر تحت تاثیر شرایط محیط اطرافش قرار می گیرد. با این توصیف می توان به اهمیت نقش خانواده و محیط های یادگیری چون مدارس در شکل گیری شخصیت کودک اشاره کرد. در این مقاله، ضمن بررسی برخی عوامل بازدارنده مطالعه در بین کودکان به عوامل تاثیرگذار در ایجاد علاقه به کتابخوانی و مطالعه اشاره می شود.

کلیدواژه ها

کتاب، کتابخوانی، مطالعه، کودک، مدرسه، کتابخانه

مقدمه

کودک برای پیدا کردن پاسخ سئوالات خود وابسته به منابع اطلاعاتی است که از جمله این منابع می توان به اعضای خانواده، معلم، کتاب و رسانه های دیگری همچون تلویزیون اشاره نمود. طبق تحقیقات انجام شده کودکان باید با مطالعه و کتابخوانی انس بگیرند و در اصل عادت به مطالعه در دوران کودکی صورت گیرد. باید عشق و لذت از خواندن در روح و روان کودکان ریشه دواند. موکهرچی معتقد است مطالعه همچون سایر فعالیتهای انسانی، تا حد زیادی تحت تاثیر دگرگونی های اجتماعی قرار گرفته است. به همین دلیل به گونه ای با کتاب بیگانه اند که هیچگونه رغبتی به مطالعه و خواندن ندارند (موکهرچی، ۱۹۶۸، ص ۴۸). بدون شک مجموعه عواملی که باعث ایجاد علاقه به مطالعه و کتابخوانی می شوند را باید شناخت و با ارائه راه حل های مناسب در حل مشکل تلاش کرد. نقش نظام آموزشی در گسترش فرهنگ مطالعه و کتابخوانی انکار ناپذیر است. سیستم آموزشی نقش مهمی در شکل گیری شخصیت افراد به خصوص در دوران کودکی و نوجوانی دارد. تا آنجا که می تواند آنچه فرد در خانواده تحت تاثیر اعضاء آن یاد گرفته، به کلی تغییر دهد یا اصلاح کند. متأسفانه در نظام آموزشی فعلی به علت اهمیت ندادن به کتابخانه های آموزشی و نداشتن کتابخانه های مناسب برای برقراری ارتباط بین منابع مطالعاتی و کودکان، این فرایند "علاقه مند کردن کودکان به مطالعه" هنوز به عنوان حلقه مفقوده نظام آموزشی به چشم می خورد (بیرانوند، ۱۳۸۷).

قبل از پرداختن به عوامل ایجاد علاقه مندی دانش آموزان به مطالعه، بهتر است عوامل بازدارنده این فرایند را بررسی کنیم. بررسی عوامل بازدارنده این فرصت را می دهد تا با شناخت نقاط ضعف، به رفع آنها پرداخته شده و نقاط قوت را نیز در راستای آنها پیش روند.

تعاریف

مطالعه: بررسی عمیق و همه جانبه یک مقوله است. به عبارت دیگر «روندی است که از به کار گیری ذهن و به منظور دریافت اطلاعات، توجه دقیق و تجربه و تحقیق درباره هر موضوع، رویداد و پدیده صورت می گیرد و شامل خوب دیدن، خوب شنیدن و لمس کردن، و چشیدن، تربه کردن، پرسش کردن و به دنبال پاسخها بودن می شود» (فرهنگ ویستر، ص ۱۸۰۸، نقل در قزل ایاق، ۱۳۸۳).

خواندن: می تواند به عنوان زیر مجموعه مطالعه باشد. عملی که در آن دیدن، شناسایی کردن علائم نوشتاری، تبدیل علائم نوشتاری به صوتی، درک مجموعه علائم و آواها و در نتیجه دک معنا از آن حاصل می شود؛ اما این درک بی هدف صورت نمی گیرد و خوانندگان به قصد آموختن، زمانی برای آگاه شدن و گاهی هم به قصد لذت بردن و پر کردن اوقات فراغت به آن روی می آورد که هر سه می تواند با همدیگر همراه باشد (قزل ایاق، ۱۳۸۳، ص ۲۱).

عوامل بازدارنده کودکان از مطالعه

اگر چه دانش آموزان فعالترین خوانندگان هستند، اما هیچ گونه ضمانتی برای تداوم خواندن آنها وجود ندارد (اسکاریپت، ۱۳۶۸، ص ۱۳۹، نقل در قزل ایاق، ۱۳۸۳، ص ۲۳). به همین خاطر وظیفه بزرگسالان و مربیان کودکان تنها ایجاد علاقه مندی در کودکان نیست، بلکه تلاش در تداوم این اشتیاق به خواندن نیز به اندازه ایجاد علاقه مندی مهم است. گاه عوامل بازدارنده ای وجود دارند که کودک را از ایجاد حس علاقه مندی به مطالعه باز می دارند و یا علاقه به وجود آمده را به بی میلی و گاهی نفرت از مطالعه تبدیل می کنند. عواملی که در بازدارندگی کودک نسبت به مطالعه موثر هستند به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم می شوند، هر چند که بسیاری از عوامل دورنی ریشه در عوامل بیرونی بازدارندگی دارند.

عوامل درونی بازدارنده از مطالعه

از جمله این عوامل بازدارنده می توان به دو مورد عامل جسمی و روانی اشاره کرد: عامل جسمی: معلولیتها، و نقص عضوها باعث می شود تا کودک از انجام سایر توانایی های لازم برای مطالعه کردن بازداشته شود. کودکی که نقص بینایی دارد، هر چند هم علاقه مند به مطالعه باشد، چنانچه با موانعی مانند نبود منابع

به خطر بریل روبرو شود از مطالعه بازداشته می شود و علاقه نیز نمی تواند به عنوان عامل یک فاکتور موثر در ادامه فعالیت او موثر باشد.

عامل روانی: نبود الگوی مناسب برای کودکان در زندگی، یکی از عوامل بسیار مهم در شل گیری شخصیت آنهاست. در جامعه ای که بزرگسالان به مطالعه بهایی نمی دهند و یا آنرا امری بیهود برشمرده که وقت آنها را تلف می کند، چگونه می توان انتظار داشت کودکانی تربیت شوند که به مطالعه و کتابخوانی بپردازند؟ توجیهات کودکان برای فرار از مطالعه و کتابخوانی، در بی فایده بودن، نیاز نداشتن، وقت نداشتن و... خلاصه می شود که تماماً ناشی از برداشتهای آنها از رفتار افراد بزرگسالان جامعه اطراف اوست (قزل ایاق، ۲۸، ۱۳۸۳).

عوامل بیرونی بازدارنده از مطالعه

- کیفیت منابع چاپی: یکی از موانع جدی در مطالعه به ویژه در کودکان، بی کیفیتی منابع چاپی است که برای آنها تهیه می شود. بدیهی است که خواندن غیر موظف و داوطلبانه، امری است که شرایط خاص خود را طلب می کند. یکی از این شرایط، داشتن محتوای با کیفیت است که نوعی کشش و علاقه مندی را در خواننده خود ایجاد نماید. این کشش و جاذبه در منابع چاپی زمانی بیشتر جلوه گر می شود که مخاطبان آن کودکانی باشند که در منابع مورد مطالعه، به دنبال پاسخ سوالات ذهنی خود باشند و در کنار این حس پرسشگری، خواهان کمترین زحمت برای رسیدن به پاسخ سئوالات خود هستند. علاقمندی آنها برای درک مطالب از طریق تصویر، موجب می شود تا بیشتر حجم کتابهای کودکان از تصاویر تشکیل شود. پس می توان نتیجه گرفت که نداشتن تصاویر جالب و جذاب و همچنین وجود ممیزی در کتابهای کودکان می تواند به عنوان عامل بازدارنده ای در مطالعه و کتابخوانی به شمار آید (همان، ۲۹).

- عدم وجود کتابخانه در مدارس: به عنوان اولین شرط، باید پذیرفت که وجود محیطی به نام کتابخانه، هرچند کوچک بوده و از لحاظ منابع نیز فقیر باشد، می تواند نقطه شروع مناسبی به شمار آید. تدارک کتابخانه های مناسب برای کودکان، حق طبیعی آنها در نظام آموزشی است. در دنیای امروز که دسترسی به کتابخانه های دیجیتال و مبتنی بر وب، کتابخانه های استاندارد و دارای منابع مناسب برای کودکان به عنوان زیر ساخت لازم برای فرهنگ سازی در نظام آموزشی به شمار می آید، دیگر بحث در مورد وجود کتابخانه، آن هم در شکل ابتدایی آن در مدارس، تنها تکرار مکررات است. اما با انی وجود بازهم شاهد مدرسی هستیم که یا کتابخانه ندارند و یا فضایی را به منظور رفع مسئولیت به عنوان کتابخانه در محیط مدرسه تعریف کرده اند که بیشتر به انبار کتابهای بلااستفاده شبیه است تا کتابخانه پویا و موثر در آموزش کودکان.

- نبود کتابدار متخصص در کتابخانه: نداشتن کتابدار متخصص در کتابخانه های مدارس، استفاده از دانش آموزان به عنوان متصدی کتابخانه در ساعاتی آزاد، و سپردن مسئولیت اداره کتابخانه به صورت پاره وقت به یکی از مربیان مدرسه که در بخش های دیگر کارایی ندارد، به معنی بی توجهی به مسئله مطالعه و کتابخوانی در مدارس است. در جایی که مطالعه و فرهنگ کتابخوانی کم اهمیت فرض می شود، چگونه می توان از رشد سواد و گسترش فرهنگ مطالعه صحبت کرد؟

- نداشتن الگوی مناسب در خانواده: فرهنگ پذیری از اطرافیان در دوران کودکی پایه و اساس شکل گیری شخصیت او است. شخصیت کودک مانند ماده خامی است که قدرت شکل پذیری در هر قالبی را دارد. وجود الگوی مناسب در محیط زندگی و مدرسه می تواند در شکل گیری قالب شخصیتی کودک بسیار موثر باشد. کودک در خانواده از والدین خود و در مدرسه از معلم و دوستان خود بیشترین تاثیرپذیری را دارد و چنانچه اعضای خانواده در طی روز مدت زمانی را به مطالعه بپردازند و یا با خواندن کتابهای مورد علاقه کودک صرف کنند، در علاقه مند کردن او به مطالعه و کتابخوانی گام موثری را برداشته اند.

- جایگزینی رسانه های تصویری به جای کتاب: تردیدی نیست که در عصر ارتباطات و رسانه های الکترونیکی نمی توان از کودکان انتظار داشت به اندازه نسلهای گذشته خود را مقید به کتاب و مطالب چاپی نمایند. از طرفی، هنوز وجود کتاب به عنوان رسانه ای فراگیر و ارزان در آموزش کودکان و نوجوانان ضرورتی انکار ناپذیر است. حضور کتاب های چاپی در کلاسهای درس در کنار وسایل و آموزشهای الکترونیکی و مبتنی بر وب هنوز جایگاه این رسانه را در آموزش و در بین کودکان حفظ کرده است. متأسفانه در قبال حضور رسانه های الکترونیکی، نگرشهای افراطی وجود دارد که استفاده از این تجربیات نو ظهور را بسیار زودتر از آنچه تصور شود به صورت یک فرهنگ اجتماعی در آورده است. آنچه در بین خانواده ها و یا حداقل تجربیات روزمره خودمان به چشم می خورد، فرهنگ اشتباه تماشای تلویزیون و یا فیلم های کارتون است که توسط والدین برای سرگرم کردن کودک و به قولی راحت شدن از سوالات مکرر او رسیدن به آسودگی خیالی است که در خانواده های امروزی به چشم می خورد. پدر و مادری که بخش اعظم وقت خود را صرف کار کرده اند، دیگر انرژی جهت سرگرم سازی کودک با کتاب و مطالعه ندارند و ترجیح می دهند که کودک خود را با برنامه های تلویزیونی سرگرم کنند. البته استفاده از این رسانه ها جزء لاینفک نظام آموزشی نوین به شمار می آیند، اما باید توجه داشت که تمام وقت کودک نباید صرف تماشای تلویزیون شود و از عادت به مطالعه و کتابخوانی غفلت شود.

عوامل ایجاد علاقه مندی کودکان به مطالعه

از جمله عواملی که در ایجاد علاقه به مطالعه در کودکان موثرند می تواند به موارد زیر اشاره کرد:

- استفاده از ادبیات خاص کودکان: ادبیاتی که بتواند جذاب و پویا باشد و کودک را به مطالعه جذب کند یکی از عوامل موفق در بالا بردن روحیه کتابخوانی در کودکان است. همچنان که در فرهنگنامه کودکان آمده است: " ادبیات کودکان نوشته ها و سرودهایی هستند که ارزش ادبی یا هنری دارند، و شامل بخشی از فرهنگ شفاهی عامه مانند: لالایی ها، متل ها، قصه ها، داستانها، نمایشنامه ها، شعرها و همچنین نوشته های غیر داستانی در زمینه دین، دانش اجتماعی، علم و کاربردهای آن، هنر و سرگرمی که هدف آن آموزش مستقیم نباشد، می شود. سه ویژگی برجسته ادبیات کودکان عبارتند از:

الف- به رشد شخصیت خواننده کمک می کند و به این نکته توجه دارد که دوران کودکی و نوجوانی مهمترین دوران شکل گرفتن و پرورش احساس و اندیشه است.

ب- ادبیات کودکان با درک و فهم، زبان و بیان و تخیل و تجربه های کودکان متناسب است.

ج- تصویر در ادبیات کودک اهمیت بالایی دارد و همیشه بخشی از پیام توسط تصاویر منتقل می شود. (فرهنگنامه کودکان، نوجوانان، ۱۳۷۱).

آنچه باعث اهمیت بسیار ادبیات کودک می شود از چند بعد قابل ملاحظه است:

- پرورش شخصیت فردی و اجتماعی کودک
- در بر داشتن نکان آموزنده اجتماعی و اخلاقی
- افزایش مهارت‌های یادگیری.
- آشنایی بیشتر کودک با تجارب و آموخته های دیگران
- افزایش علاقه به خواندن و مطالعه
- پرورش ذوق و سلیقه در کودکان.
- ایجاد تفکر انتقادی و استنباطی در کودک

مطالعه و کتابخوانی باعث بالا بردن اطلاعات عمومی کودک و درک بهتر آنها از کتب درسی می شود. کاربرد وازگان و معانی خاص آنها در جملات گوناگون باعث می شود تا کودک از تک کاربرد بودن واژه ها رها شده و بتواند مفاهیم گوناگون را بهتر درک کند. تصویر سازی در ذهن کودکان ماندگاری بیشتری دارد و به همین دلیل سعی می شود تا بخش عمده فضای کتاب کودکان به تصاویر اختصاص یابد.

- خانواده: محیط خانه و خانواده یکی از عواملی است که باعث ایجاد عادت به مطالعه در کودکان می شود. تاثیرپذیری کودکان از اعضای خانواده با خواندن قصه ها و داستانهای کودکان از سوی آنها، باعث ایجاد علاقه به کتاب و مطالعه در کودک می شود. فراموش نکنیم که کودکان آینه رفتار افراد خانواده خود هستند و رفتار اعضای خانواده بیشتر از هر عامل دیگری در ایشان تاثیر گذار است (شهرآری، مهنار، ۱۳۶۲).

همان طور که در نظریه های آموزشی از تجهیزات کمک آموزشی مانند فیلمهای آموزشی به عنوان ابزارهای انتقال دانش یاد شده باید موانع موجود در بکارگیری این ابزارهای نیز یادآوری شود. امروزه به غلط خانواده ها استفاده از فیلمهای کارتونی را جایگزینی برای مواد کمک آموزشی قرار داده و از طرفی برای دور کردن کودک تحت عنوانهای مختلف مانند: مشغولیتهای زیاد والدین، سرگرم کردن کودک، عدم همبازی شدن کودک با دیگر همسالان خود در محیط های بیرون از خانه ... اقدام به استفاده از این رسانه ها کرده که در اغلب موارد تاثیر منفی آن بیشتر از جنبه آموزشی خواهد بود. حرکات، الفاظ و تکیه کلامهای رایج در بین کودکان امروزی تاثیر پذیری آنها از شخصیتهای کارتونی است که به اشتباه توسط خانواده ها به عنوان جایگزین کتاب و مطالعه شده است. به همین دلیل تاثیری که خانواده با رفتار خود می تواند بر روی شخصیت کودک بگذارد به مراتب بیشتر از سایر عوامل است (لاریک، نانسی، ۱۳۷۲).

- کتابخانه های مدارس: امروزه با روند تعلیم و تربیت جدید، کتابخانه از ابزارهای ضروری تدریس است. تاکید بر اصل دانش آموز - محوری در نظام آموزشی جدید به جای معلم محوری، باعث اعتبار بخش به کتابخانه های مدارس به عنوان محلی برای تامین نیازهای اطلاعاتی آنها در امر اطلاع یابی شده است. کودک امروز در مدرسه دیگر حافظ اطلاعات متقل شده از سوی معلم خود نیست و او خوا به دنبال پاسخی برای پرسشهای به وجود آمده در ذهن خود است. در این بین کتابخانه های مدارس از جمله عوامل موثر در علاقه مند کردن کودکان به مطالعه هستند (میلاره، ۱۳۷۱).

امروزه کشورهای پیشرفته اهمیت بسیار زیادی برای کتابخانه های آموزشی خود قائل هستند و سرمایه گذاری در این بخش را نه تنها هدر رفتن سرمایه نمی دانند بلکه معتقد هستند که با شکوفایی استعداد کودکانشان این هزینه ها به چرخه اقتصاد کشور باز می گردد. فعالیتهای زیادی در این کشورها در جهت علاقه مند کردن کودکان به کتابخوانی صورت گرفته و ارزشی که این کشورها برای کتابخانه های مدارس خود قائل شده اند گواه این ادعا است: انتشار کتاب استانداردهای کتابخانه های مدارس و طرح نیروی انسانی برای این کتابخانه ها از سوی انجمن کتابداران آمریکا، تاسیس سازمان ملی کتابخانه های آموزشی در کوپا، طرح ملی خواندن برای بهبود سطح خواندن در هلند، تاسیس کتابخانه برای مدارس ابتدایی در سال ۱۹۹۳ در ژاپن، تخصیص بخش خدمات ویژه کودکان در کتابخانه های عمومی این کشور، قانونی شدن کتابخانه های آموزشی در استرالیا که کتابخانه به عنوان یک مرکز آموزشی در قلب مدرسه قرار گرفته است از جمله این عملکردها است.

- کتابخانه های کودکان: هدف اصلی از ایجاد کتابخانه های کودکان پاسخگویی به نیازهای کودکان و دسترسی به منابع و مواد خواندنی است. کتابخانه های کودکان محلی مناسب برای پاسخگویی به پرسشهای موجود در ذهن کودکان است. کتابخانه کودکان با تهیه مواد و تجهیزات آموزشی مورد نیاز کودکان می تواند محلی برای انتقال آموزشهای مورد نیاز به کودکان و علاقه مند کردن آنها به مطالعه و کتابخوانی باشد. آنچه به عنوان وظیفه کتابدار در کتابخانه کودکان بیشتر از سایر وظایف باید مد نظر قرار گیرد ارائه مطالب مناسب و معرفی کتابهای مفید و مورد نیاز کودک است. شاید به نوعی بتوان کتابدار کتابخانه کودکان را یک کتابدار مرجع دانست که نیازهای را بررسی می کند و خود منبع مناسب را پیشنهاد می دهد و چنانچه این پیشنهاد بجا و مناسب باشد در حرکت رو به جلوی کودک برای خواندن و ارتباط بیشتر او با کتاب موثر و کارآمد باشد. تقابل کتابدار و منابع موجود در کتابخانه با روحیه پرسشگری کودک می تواند اولین جرقه های علاقه مندی در وی را روشن کند. کتابدار کتابخانه کودکان باید فردی صبور و علاقه مند با برقراری ارتباط با کودکان باشد تا بتواند بیشترین تاثیر را در روند علاقه مند کردن آنها به جا بگذارد. آنچه در تهیه منابع کتابخانه کودکان بیشتر باید مورد توجه باشد، استفاده از وسایل کمک آموزشی از قبیل فیلمهای آموزشی و کتب تصویری است زیرا همانطور که تحقیقات نشان داده اند تقریباً ۷۵٪ یادگیری از طریق حس بینایی کسب می شود (احدیان، ۱۳۷۳).

نتیجه گیری

آنچه امروزه به عنوان موانع بازدارنده مطالعه در میان کودکان عنوان می شود، ریشه در جایگزینی غیر اصولی مواد و منابع آموزشی دارد. نبود منابع در دنیای اطلاعاتی امروز مانند گذشته نمی تواند عامل بازدارنده به شمار آید زیرا در جایی که صحبت از انفجار اطلاعات و افزونگی اطلاعات است دیگر عنوان کردن کمبود منابع آموزشی چندان منطقی به نظر نمی رسد.

امروزه باید تلاشها در سمت و سویی باشد تا در درجه اول اهمیت، به کیفیت منابع آموزشی پرداخته شود و در درجه دوم تناسب استفاده از منابع چاپی و الکترونیکی رعایت گردد. صرف پیشرفتهای همه جانبه در مواد و منابع الکترونیک، نمی توان کودک را به خواندن منابع الکترونیک واداشت و او را از مواد سنتی و چاپی دور کرد. تلاش در زمینه تکامل مواد و منابع نوظهور در امر آموزش و تربیت کودکان، زمانی می تواند موفقیت آمیز باشد که بتوانیم خوانندگانی فعال را تربیت کنیم.

منابع

احدیان، محمد. ۱۳۷۱. **مقدمات تکنولوژی آموزشی**. تهران: شرکت بین المللی نشر و تبلیغ بشری.

بیرانوند، علی. ۱۳۸۷. "بررسی وضعیت کتابخانه های مقطعه متوسطه استان لرستان در سال ۱۳۸۷"، مجله الکترونیکی ارتباط علمی: ۸(۴).

http://www.irandoc.ac.ir/data/e_j/vol8/no4/beiranvand1_abs.htm

سیدی، حسین. ۱۳۶۲. **کودک، کتاب، مطالعه**. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

شهرآرای، مهرناز. ۱۳۶۲. **روانشناسی یادگیری کودک و نوجوان**. تهران: انتشارات رشد. قزل ایاغ. ۱۳۸۳. **ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن**. تهران: سمت.

لاریک، نانس. ۱۹۹۳. **چگونه بچه هایمان را به مطالعه تشویق کنیم**. ترجمه: مهین محتاج. ۱۳۷۲. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

کاربخش راوری، ماشاءاله. ۱۳۷۲. **چگونه کودکان و نوجوانان را به مطالعه علاقه مند کنیم**. تهران: سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی؛ انتشارات مدرسه،

کولودژیسکا، جادویگا. ۱۳۷۶. "کتابخانه در نظام آموزشی، آموزش و پرورش به عنوان کیفیت"، ایفلا ۹۶؛ کتابخانه ملی جمهوری اسلامی، ۲۷۸-۲۸۶.

موکهرجی. ا. ک. ۱۹۶۸. **تاریخ و فلسفه کتابداری**. ترجمه اسدالله آزاد، ۱۳۷۵. مشهد: آستان قدس رضوی، موسسه چاپ و انتشارات.